

تلاش برای قانونمند کردن سلطه نظامی امنیتی بر سازمان‌های جامعه مدنی
و چالش‌های پیشرو

خطر غیر قانونی شدن همه سازمان‌های غیر دولتی پیشرو در ایران

عرصه سوم

اذر ماه ۱۳۸۹

سازمان‌های جامعه مدنی که در دوره کوتاه آزاد سازی سیاسی و حاکمیت اصلاح‌طلبان در ایران، فرصت رشد کمی و تا حدودی کیفی یافته بودند، و به مرور در حال اجرای نقش نظارتی و انتقادی خود از قدرت سیاسی بودند، در دور جدید حاکمیت اقتدارگرایان و بویژه پس از انتخابات پرمناقشه ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ با چالش‌های اساسی روبرو شدند. برخی از این سازمان‌ها مستقیماً مورد حمله نیروهای امنیتی قرار گرفتند و بسته شدند، برخی پیش از بسته شدن توسط نیروهای امنیتی، فعالیت‌های خود را کاهش داده و عملاً منفعلاً شدند، و برخی دیگر تلاش کردند که خود را با شرایط موجود انطباق داده و به حیات خود به آرامی ادامه دهند. اما این سازمان‌های باقی مانده جامعه مدنی در حالیکه دولت را برای کنترل خود به چالش کشیده‌اند، خود نیز با چالش بزرگ حفظ استقلال روبرو هستند.

۲۴ مهرماه ۱۳۸۹، در غیاب سازمان‌های مدنی پویا و منتقد و روزنامه‌های آزاد، خبری مبنی بر نشست هم‌اندیشی سازمان‌های مردم‌نهاد و نمایندگان وزارت کشور، در صفحه‌های تارنماهای فارسی منتشر شد. گزارش‌های این نشست در رسانه‌های دولتی ایران بسیار سنجیده و کوتاه بودند، اما دو نکته اساسی که منجر به این نشست شده، قابل تامل است: اول اینکه دولت در حال سازماندهی آن دسته از سازمان‌های جامعه مدنی است که همچنان می‌خواهند در حوزه‌های اجتماعی فعال بمانند و به تصور دولت، ظرفیت تبعیت از دولت اقتدارگرا را دارند.

دوم اینکه این سازماندهی در تداوم سرکوب جنبش حقوق مدنی ایران است و حاکمیت تلاش می‌کند از تجربه کوتاه اما بسیار سنگین یک‌سال و نیم گذشته در قلع و قمع سازمان‌های جامعه مدنی استفاده کرده و با پیش‌بینی‌های لازم در قانون، بطور قانونمند مانع ادامه فعالیت سازمان‌های پیشتاز در نقد قدرت شود.

این سازماندهی همه جانبه است؛ یعنی از یکسو طرح پیشنهادی برای تاسیس و نظارت بر فعالیت سازمان‌های غیردولتی در مجلس توسط تعدادی از نمایندگان به مجلس ارائه و توسط کمیسیون تخصصی اجتماعی مجلس بررسی شده و آماده طرح در صحن علنی برای تصویب و تبدیل آن به قانون است و از سوی دیگر از نظر اجرایی، تدارکات شناسایی، سازماندهی و کنترل این تشکل‌ها از طریق اجرای طرح آمارگیری از سازمان‌های غیردولتی در سراسر کشور و صدور شماره شناسایی ملی از سوی وزارت کشور در حال انجام است.

جمهوری اسلامی ایران با تمام قوا، از یکسو با اعمال سیاست سرکوب و از سوی دیگر سیاست جایگزینی از طریق قانونی کردن شیوه‌های تاسیس و نظارت بر سازمان‌های مدنی به روش‌های امنیتی و نظامی و در اختیار گرفتن این سازمان‌ها بطور عملی درصدد است که آن‌ها را به بازوهای اجرایی دولتی با نگرش امنیتی و نظامی تبدیل کند. از نظر حاکمیت، عرصه دانشگاه، روزنامه‌ها، انتشارات، احزاب سیاسی و محیط‌های کاری کاملاً در کنترل نیروهای امنیتی هستند و فقط عرصه آزاد روابط میان مردم در جامعه برای ارائه خدمات اجتماعی و خیریه‌ای است که دولت را نگران کرده است چرا که امکان سربلند کردن نیروهای شاداب و پویا و منتقد از درون آن در آینده نزدیک وجود دارد. به همین دلیل حاکمیت برای کنترل قانونمند این بخش از جامعه پیشاپیش وارد عمل شده است. اما جای هیچ شک و تردیدی نیست که این شیوه نگرش امنیتی به سازمان‌های فعال مدنی در جامعه، اگر چه جامعه مدنی را برای حفظ استقلال با مشکل روبرو می‌کند، اما دولت را نهایتاً به سمت مقابله با این نهادهای مردمی خواهد کشاند.

آن دسته از سازمان‌های جامعه مدنی که همچنان باقی مانده و نفس می‌کشند عمدتاً سازمان‌هایی هستند که به خدمات مردمی و حمایتی مشغولند و کمتر در حوزه‌های پیشتاز تغییرات اجتماعی، نقد و جایگاه مردم در نظام حکومت مداری فعالند. طبیعی است که در شرایطی که دولت هیچگونه آزادی بیان، تجمع و تشکلی برای اعضای جامعه مدنی قائل نیست و هر

گونه فعالیت سازمان‌های جامعه مدنی با برخوردهای امنیتی و نظامی روبرو می‌شود، وجود این سازمان‌های مردمی ارزشمند است. هر چند این سازمان‌ها به جای ریشه‌یابی اعتیاد، فقر، بیکاری، مسائل محیط زیست و مشکلاتی که زنان و جوانان با آن‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند و به جای پرداختن همه جانبه به این مسائل، فقط کار نجات معتادین را بطور موقت در پیش می‌گیرند و به خدمات رسانی موقت مشغولند.

با این حال اما همین سازمان‌ها نیز در صورتی که بتوانند استقلال خود را تاحدی حفظ کنند، می‌تواند در غیاب سازمان‌های مدنی پیشتاز جامعه را زنده نگه دارد، چرا که نه تنها بخشی از بدنه جامعه را فعال نگاه می‌دارد بلکه در فرآیند فعالیت‌های ارتباطی با اعماق جامعه از یکسو و شیوه‌های امنیتی نظامی دولتی در برخورد با مسائل از سوی دیگر، به حقایق دست خواهند یافت که تحولات سازمانی آن‌ها را در پی خواهد داشت.

همانگونه که اکثر سازمان‌های تحول‌یافته جامعه مدنی در دوره اصلاحات در واقع از دل همان سازمان‌های تأیید شده دولتی تحت عنوان‌های انجمن‌های اسلامی دانشجویان، انجمن‌های اسلامی کار، و سازمان‌های غیر دولتی زیست‌محیطی سر بیرون آورده بودند.

امروز مجلس و دولت، از طریق وزارت کشور و وزارت اطلاعات در همکاری کامل با قوه قضائیه، در صدد قانونی کردن مداخلات کامل نظامی و امنیتی در حوزه سازمان‌های جامعه مدنی هستند.

سازمان‌های جدید برای ثبت باید اول مراحل کامل تأیید توسط وزارت اطلاعات و هیئت‌های عالی نظارتی را که ترکیب آن‌ها کاملاً نظامی، امنیتی و ایدئولوژیک است، طی کنند و اداره کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی از ثبت هر سازمانی که وظایف آن‌ها به وظایف سازمان‌های غیر دولتی مربوط می‌شود قبل از طی مراحل تأیید توسط هیئت عالی منع شده‌اند.

از سوی دیگر تمامی سازمان‌هایی که قبلاً نیز توسط اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی ثبت شده‌اند اگر در این مسیر تأیید نشوند، به دستور هیئت عالی، شماره ثبت آن‌ها باطل و رسماً غیر قانونی اعلام می‌شوند. بر اساس این طرح جدید، انحلال غیر اختیاری سازمان‌های غیر دولتی که قبلاً فقط در اختیار مراجع قضایی بود و نیروهای امنیتی را تا حدی با مشکل انحلال این سازمان‌ها روبرو می‌کرد، کاملاً در اختیار هیئت عالی قرار می‌گیرد.

یعنی در طرح جدید، هیئت عالی هم اجازه ثبت می‌دهد و هم یک سازمان را منحل می‌کند که هر دو این اختیارات خلاف مواد ۵۸۴ و ۵۸۵ قانون تجارت کشور است. باید توجه داشت که کلیه مراحل مشارکت و همکاری سازمان‌ها در پروژه‌های دولتی و غیر دولتی، همکاری و ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی و حتی آژانس‌های سازمان ملل، شرکت در سمینارها و همایش‌ها و دوره‌های آموزشی خارج از کشور و حتی برگزاری تجمع و راهپیمایی‌های مرتبط با فعالیت‌های سازمان‌های غیر دولتی فقط با تأیید هیئت عالی امکان‌پذیر است.

عرصه سوم بر این باور است که باید مردم و گروه‌های ذی‌نفع را از این طرح در حال تصویب و اقدامات دولت در حوزه سازمان‌های غیر دولتی و اثرات جبران ناپذیر این اقدامات امنیتی نظامی آگاه کرد و هر چه سریعتر باید این بحث به عرصه عمومی راه پیدا کند و جلوی تصویب این طرح گرفته شود.

عرصه سوم معتقد است که قوانین ناظر بر سازمان‌های غیر دولتی نباید اجاب‌ی و محدود کننده باشند، بلکه برعکس باید تضمین کننده آزادی‌های اساسی و بنیادین در حق تشکل، تجمع و آزادی بیان سازمان‌های غیر دولتی بوده و نهایت تسهیل در تاسیس و فعالیت آن‌ها اعمال شود تا آن‌ها بتوانند به‌عنوان بازیگران اصلی و موثر در فرآیند توسعه پایدار ایفای نقش کنند. این قوانین باید تسهیل کننده حضور در عرصه‌های بین‌المللی برای تبادل تجربه و همکاری با هم‌تایان بین‌المللی باشد. در

حالی که طرح پیشنهادی برای تصویب نه تنها هیچ یک از این اصول را تضمین نمی‌کند بلکه صددرصد در جهت نابودی سازمان‌های جامعه مدنی نوپا در ایران است.

بنابراین شایسته است که روزنامه‌نگاران و فعالان جامعه مدنی در داخل و خارج کشور طرح ساماندهی سازمان‌های غیر دولتی را به چالش بکشند. امروز وظیفه نمایندگان مجلس است که نه تنها طرح پیشنهادی را تصویب نکنند بلکه با طرح سوالات سنجیده، فرصت را برای ایفای نقش واقعی سازمان‌های غیر دولتی در نظارت بر قدرت و پیشبرد جامعه به سوی توسعه پایدار و دموکراسی فراهم کنند.

عرصه سوم از جامعه بین‌المللی بویژه از گزارشگر ویژه سازمان ملل در آزادی تشکل می‌خواهد که به پشتیبانی از جامعه مدنی ایران و در مقابله با قانون‌مند کردن مسیر نقض حق آزادی تشکل سازمان‌های جامعه مدنی در ایران به سرعت و قبل از تصویب این طرح مداخله کند.

عرصه سوم برای کمک به پیشبرد این بحث در سطح سازمان‌های جامعه مدنی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، طرح پیشنهادی و طرح اصلاحی برای نظارت بر تاسیس و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی توسط کمیسیون تخصصی مجلس شورای اسلامی را نقد و سخنان اخیر نیروهای دولتی را در نشست هم‌اندیشی سازمان‌های مردم‌نهاد تحلیل کرده است، با این امید که در تلاشی همگانی از جوانمردگی جامعه مدنی در ایران جلوگیری شود.

نقد و بررسی پیش‌نویس قانون ناظر بر تاسیس و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی

پیش‌نویس قانون ناظر بر تاسیس و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی در چند هفته آینده برای تصویب به صحن علنی مجلس خواهد رفت.

در سال ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ دو پیش‌نویس پیشنهادی برای قانون سازمان‌های غیردولتی به مجلس تقدیم شد، طرح پیشنهادی سال ۱۳۸۶ توسط تعدادی از نمایندگان مجلس و طرح سال ۱۳۸۷ توسط مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به مجلس ارائه شده‌اند. مجلس در کمیسیون تخصصی امور اجتماعی، پیش‌نویس پیشنهادی سال ۱۳۸۶ را مبنا قرار داده و در آن تغییرات فراوانی اعمال کرد. این طرح اصلاحی بعنوان آخرین پیش‌نویس در دستور کار مجلس قرار خواهد گرفت.

طرح پیشنهادی ارائه شده توسط مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس به تغییرات اعمال شده توسط کمیسیون تخصصی مجلس نزدیک‌تر است، اما نکته مهم این است که حتی کمیسیون تخصصی مجلس از طرح دفتر مطالعات سیاسی فراتر رفته و تجربیات یک سال و نیم اخیر در مبارزه با جامعه را بکار گرفته است تا سازمان‌های غیر دولتی کاملاً در کنترل نیروهای امنیتی و نظامی قرار بگیرند.

نکات بسیار مهمی در این دو پیش‌نویس و در نسخه‌ای که توسط کمیسیون تخصصی مجلس اصلاح شده است، وجود دارد که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود.

مهمترین نکته این است که بر خلاف ماده ۱۸۲ قانون برنامه توسعه مصوب سال ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی، که از وظایف تشکل‌های غیر دولتی «تقویت نظارت‌های سازمان یافته مردمی بر فعالیت دستگاه‌های دولتی» تعریف شده است، دو پیش‌نویس اخیر و نسخه اصلاح شده کمیسیون تخصصی مجلس در واقع این نقش را برای سازمان‌های غیر دولتی قائل نیستند.

بر اساس مقدمه نوشته شده بر طرح پیشنهادی سال ۱۳۸۶، تمام هدف این طرح، مداخله قانونمند در روابط میان سازمان‌های غیر دولتی و سایر حوزه‌ها و در کنترل گرفتن این روابط، دور کردن کامل این سازمان‌ها از عرصه سیاسی و نقد قدرت سیاسی، کنترل روابط بین‌المللی سازمان‌های غیر دولتی، مداخله در روابط سازمان‌های غیر دولتی و گروه‌های ذینفع، و نهایتاً در اختیار داشتن چگونگی حضور این سازمان‌ها در عرصه‌های تصمیم‌گیری است.

در واقع طبق پیش‌نویس سال ۱۳۸۶ و نسخه اصلاحی طرح پیشنهادی در کمیسیون تخصصی مجلس، هدف اصلی، تدوین یک قانون برای تاسیس و نظارت بر سازمان‌های غیر دولتی است.

همانگونه که در ساختارهای مختلف پیش‌بینی شده در این سه سند و بویژه در سند اصلاحی کمیسیون مجلس برای نظارت بر سازمان‌های غیر دولتی دیده می‌شود، تمام تلاش بر این است که دستگاه‌های امنیتی، قضایی، نظامی، نمایندگان مساجد، بسیج و همه ارگان‌های ایدئولوژیک وابسته به حکومت، همه سازمان‌های غیر دولتی را از طریق مراحل تأیید برای تاسیس و نظارت بر فعالیت‌ها کنترل کنند.

عنوانی که در کمیسیون تخصصی مجلس بر این طرح گذاشته شده است خود نیز موید این است که هدف، نظارت بر تاسیس و فعالیت‌های سازمان‌های غیر دولتی است.^۱ در حالیکه از وظایف سازمان‌های غیر دولتی نظارت بر حاکمیت و قدرت است و نظارت بر سازمان‌های غیر دولتی بر عهده اعضای این سازمان‌ها و گروه‌های ذینفع مردمی است.

همانگونه که در بندهای بعدی مشاهده خواهید کرد، از یکسو از دغدغه‌های اصلی طراحان این پیش‌نویس، حوزه روابط سیاسی و روابط بین‌المللی سازمان‌های غیر دولتی است و از سوی دیگر این طرح تلاشی برای تبدیل سازمان‌های غیر دولتی به عاملین اجرای طرح‌های دولتی است، و اساساً برای نقش‌نظارتی سازمان‌های غیر دولتی بر قدرت در این طرح‌ها برخلاف ماده ۱۸۲ قانون برنامه توسعه مصوب ۱۳۷۹ هیچ ذهنیتی وجود ندارد.

بررسی فرآیند تغییراتی که از سال ۱۳۸۶ که اولین طرح پیش‌نویس تهیه شده تا طرح اصلاح شده در کمیسیون تخصصی مجلس، نشان می‌دهد که تغییرات کاملاً به سمت کنترل امنیتی و نظامی و کاهش قدرت سازمان‌های غیر دولتی حرکت کرده‌است، و بنظر می‌رسد که در راستای یکسال و نیم سرکوب دولتی در کنترل جنبش مردمی است که در آن جامعه مدنی و نمایندگان آن خواسته‌های آشکار حقوق مدنی مردم را طلب می‌کرد. تجربه‌های نیروهای امنیتی و نظامی در سرکوب این جنبش بعنوان مواد پیشگیری‌کننده در این طرح کاملاً بکار گرفته شده است.

تحلیل طرح اصلاحی کمیسیون تخصصی مجلس

مجلس شورای اسلامی بررسی پیش‌نویس قانون ناظر بر تاسیس و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی را که در سال ۱۳۸۶ توسط تعدادی از نمایندگان مجلس ارائه شده در دستور کار خود قرار داده است و این طرح پس از انجام اصلاحاتی از سوی کمیسیون تخصصی امور اجتماعی در انتظار بررسی و تصویب نمایندگان مجلس است.

عرصه سوم با اعتقاد به اینکه این طرح در راستای کنترل هرچه بیشتر سازمان‌های جامعه مدنی است، به بررسی و تحلیل آن پرداخته است:

^۱ عنوان: "طرح ناظر بر تاسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد (غیر دولتی)"

تعریف سازمان- در پیش نویس طرح سال ۱۳۸۶ ارائه شده توسط برخی از نمایندگان مجلس، سازمان غیر دولتی بصورت یک بند تعریف شده بود که در اصلاحیه کمیسیون تخصصی مجلس به ماده تبدیل شده است. به غیر از موارد ظاهری در تعریف از جمله تغییر نام این سازمان‌ها به سازمان‌های مردم نهاد، نکته مهم اضافه شده در این ماده این است که سازمان غیردولتی آن سازمانی است که «با رعایت مقررات ذیل (منظور مقررات مندرج در این قانون است) در چهارچوب قانون اساسی، مبانی اعتقادی و ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران^۲ تاسیس شده باشد.»

در واقع این ماده در تعریف سازمان غیردولتی، از چارچوب قانون اساسی فراتر رفته و نه تنها مقررات مندرج در این طرح را بر قانون اساسی در بازشناسی یک سازمان غیر دولتی اولویت داده است، بلکه ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران را که بسیار مهم، نامشخص، تعریف نشده و قابل تفسیر است را نیز برای شناسایی سازمان غیر دولتی ملاک قرار داده است. به این ترتیب قانون‌گذار کاملاً دست مجریان را در عدم تائید سازمان‌های غیردولتی و انحلال آن‌ها با تفسیرهای خود خواسته باز می‌گذارد.

جایگاه انسان دوستانه در سازمان غیر دولتی - در تبصره ۴ بند اول پیش نویس سال ۱۳۸۶، در تعریف مفهوم سازمان و هدف انسان دوستانه تاکید شده بود که «انسان دوستانه: به معنای اینکه فعالیت‌های سازمان فارغ از نژاد، رنگ، مذهب، جنس، سن و شغل و در جهت بهبود شرایط زندگی انسانها انجام شود.» در نسخه اصلاح شده کمیسیون تخصصی مجلس کلمه انسان دوستانه از تعریف سازمان غیردولتی حذف شده است. با کمی دقت و اینکه تبصره چهار در کمیسیون اجتماعی مجلس حذف می‌شود می‌توان به این امر پی برد که چرا سازمان‌های انسان دوستانه در مفهوم سازمان‌های غیردولتی نمی‌گنجند. در واقع به‌خاطر تبصره ۴ بود که نوع سازمان‌های انسان دوستانه از تعریف سازمان‌های غیر دولتی نسخه اصلاحی مجلس حذف شد تا این تبصره حذف شود.

عمده ترین دلیل حذف این تبصره ابعاد برابری در دفاع از مذاهب، اقوام و همه اقلیت‌ها هستند. در واقع یکی از دلایل تعقیب قضایی سازمان‌هایی مثل کانون مدافعان حقوق بشر دفاع این کانون از بهائیان است. این همان جایی است که حتی با تغییر ماده اول در تعریف سازمان، و تاکید بر ارزش‌های اخلاقی جمهوری اسلامی ایران، همچنان نگرانی دفاع از بهائیان به جای خود باقی مانده است. چرا که در سال‌های اخیر و با رشد آگاهی مردم از حقوق بشر، موضوع بهائیان و دفاع از اقوام و اقلیت‌ها از تابو بودن خارج شده و در افکار عمومی بعنوان حق مذهب و حق اقوام و اقلیت‌ها مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است. در واقع این نگرانی نیروهای تندروی حاکمیت بقدری است که ترجیح داده‌اند که ماهیت یک سازمان غیر دولتی، انسان دوستانه نباشد تا این تبصره بر سازمان‌ها تعلق نگیرد.

غیر سیاسی بودن سازمان غیر دولتی- در تعریف غیر سیاسی بودن سازمان غیر دولتی در پیش نویس سال ۱۳۸۶ آمده بود که «غیر سیاسی: عبارت است از عدم فعالیت سیاسی، تحت عنوان شخصیت حقوقی سازمان به گونه‌ای که مشمول ماده یک قانون احزاب نگردد.» ماده یک قانون فعالیت احزاب به تعریف حزب پرداخته و هدف یک حزب را کسب قدرت سیاسی تعریف می‌کند.^۳ طبیعی است که تعریف ارائه شده در پیش نویس سال ۱۳۸۶ و منع فعالیت سیاسی تحت شخصیت حقوقی طبق ماده یک قانون احزاب باعث تفکیک یک سازمان غیر دولتی از حزب در جایگاه کسب قدرت سیاسی معنادار است.

هر چند هنوز ضرورت این تفکیک نامشخص است، اما طبق این پیش نویس سال ۱۳۸۶، افراد در سازمان‌های غیر دولتی از هرگونه فعالیت سیاسی منع نمی‌شوند، بلکه بعنوان یک سازمان برای کسب قدرت سیاسی فعالیت نمی‌کنند، اما می‌توانند به نقد و بررسی سیاسی بپردازند و می‌توانند در زمان انتخابات، عرصه‌های نقد و بررسی نامزدهای انتخاباتی را فراهم کنند.

^۲ تاکید ها از عرصه سوم است.

^۳ قانون یک ماه احزاب در تعریف حزب: "حزب نهاد و سازمانی است منظم در درون یک نظام سیاسی که از اشخاص حقیقی که دارای یک هدف آرمان خاصی هستند، تشکیل یافته و دارای اساسنامه و مرامنامه خاصی بوده و در سایه رعایت و پیروی کردن از اصول قانون اساسی در پی فتح قدرت عمومی است."

این ماده در کمیسیون تخصصی مجلس به شکلی تغییر یافته که یک سازمان غیر دولتی را از هرگونه فعالیت سیاسی منع کرده و فراتر از ماده یک قانون احزاب پیش رفته و سازمان‌های غیر دولتی را از هرگونه فعالیت سیاسی منع می‌کند: «تبصره ۵- غیر سیاسی: عبارت است از عدم انجام هر گونه فعالیتی به گونه‌ای که مشمول ماده ۱ قانون احزاب باشد و تحت عنوان شخصیت حقوقی سمن در قالب‌های اجتماعی و سیاسی برای تصدی پست‌های حساس شرکت نداشته و به نفع و علیه افراد و جریان‌های سیاسی تبلیغ ننماید.»⁴

پر واضح است که دغدغه اصلی طراحان این تغییرات در کمیسیون تخصصی مجلس شورای اسلامی، این است که در شرایطی که فضای سیاسی برای فعالیت‌های احزاب منتقد دولت کاملاً بسته شده، احزاب در قالب فعالیت‌های اجتماعی در میان مردم حضور پیدا کنند و به این ترتیب عرصه برای تغییر قدرت سیاسی توسط نیروهای منتقد دولت فراهم شود.

در تائید این نظر که برای از دور خارج کردن فعالان سیاسی از حوزه سازمان‌های غیر دولتی تلاشی همه جانبه در جریان است، می‌توان به این بند الحاقی در طرح اصلاح شده توسط کمیسیون تخصصی مجلس اشاره کرد که برای شرایط عضویت در هیئت موسس، هیئت مدیره، مدیرعامل و بازرسان یک سازمان غیر دولتی «عدم وابستگی تشکیلاتی به احزاب، سازمان‌ها، و گروه‌های غیر قانونی و معاند که از طرف مراجع صالحه اعلام شده اند» اشاره کرد.

این در حالی است که هم اکنون اکثر قریب به اتفاق همه سازمان‌ها و احزاب سیاسی منتقد دولت غیر قانونی اعلام شده‌اند و آن تعدادی که هنوز رسماً از سوی وزارت کشور (1) غیر قانونی اعلام نشده‌اند مانند مجمع روحانیون مبارز نیز بطور مرتب فعالیت‌هایشان غیر قانونی تلقی شده است. به این ترتیب راه برای از دور خارج کردن هر فردی که زمانی همراه با هر سازمان سیاسی بوده‌است، فراهم می‌شود.

باید توجه داشت که سازمان‌های ثبت شده قبلی نیز باید مسیر تائید یک سازمان غیر دولتی را طبق این طرح جدید پشت سر بگذارند و اگر نه ثبت قانونی آن‌ها باطل می‌شود. بسیاری از مدیران، اعضای هیئت مدیره و یا بازرسان این سازمان‌ها از نظر تصمیم‌گیران امروزی متهم هستند که با سازمان‌ها و احزابی که اخیراً غیر قانونی اعلام شده‌اند، ارتباط داشته‌اند. به این ترتیب راه برای باطل و غیر قانونی کردن اکثر سازمان‌های غیر دولتی قبلی فراهم می‌شود.

این همان نکته مهمی است که در صحبت‌های علیرضا افشار، معاون امور اجتماعی و فرهنگی وزارت کشور به‌طور متناقض در نشست هم‌اندیشی سازمان‌های غیر دولتی و نمایندگان وزارت کشور ارائه شده است. به گزارش ایرنا و جام آنلاین، افشار در این نشست تاکید کرد: «این سازمان‌ها حق فعالیت سیاسی ندارند و نمی‌توانند در قالب جناح و گروه، در مقابل دولت و دستگاه‌های دولتی موضعگیری کنند.»⁵ هر چند آقای افشار هیچ محدودیتی در تعریف فعالیت سیاسی از دید خود نداشته و به وضوح اعلام کرده‌است که در مقابل دولت و دستگاه‌های دولتی نباید موضعگیری کنند، (یعنی برعکس آن تائید می‌شود و فعالیت سیاسی تلقی نمی‌شود)، اما نکته مهمتر و متناقض این است که ایشان مصداق یک سازمان غیر دولتی را بسیج می‌داند و اعلام می‌کند که «بسیج و اردوهای جهادی بزرگترین تشکل‌های مردمی هستند.»⁶

در اینکه بسیج یک تشکل وابسته نظامی است هیچ شکی نیست و جایگاه ساختاری آن در نظام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کاملاً این امر را تائید می‌کند. استفاده سیاسی از این نیروهای شبه نظامی بسیجی در تحولات اخیر ایران، چه در جریان قبل از انتخابات ریاست جمهوری برای اعمال تقلب و چه در جریان پس از اعلام نتایج انتخابات که منجر به حرکت‌های اجتماعی شد، نیز همواره مورد اعتراض نیروهای پیشروی اجتماعی بوده است.

⁴ تاکید از عرصه سوم است.

⁵ به جام جم آنلاین در این لینک نگاه کنید: <http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100888509517>

⁶ همان منبع.

اما هرگز تصور نمی‌شد که چنین نیروی وابسته نظامی که در عرصه سیاسی به نفع جناح حاکم فعال است نه تنها بعنوان بزرگترین سازمان غیر دولتی معرفی شود بلکه بر غیر سیاسی بودن آن تاکید شود. این زنگ خطر بزرگی است که نشان می‌دهد که هدف از سمت و سو دادن به سازمان‌های غیر دولتی، تبدیل آن‌ها به نیروهای همچون بسیج و در خدمت قدرت حاکمه است.

عدم مصونیت سازمان‌های غیر دولتی در نقد تخصصی فعالیت‌های دستگاه‌های دولتی- در پیش نویس طرح سال ۱۳۸۶ در بند (ج) ماده یک، هئیت حقیقت یابی پیش بینی شده بود که از نمایندگان سازمان‌های غیر دولتی و شبکه‌های آن‌ها تشکیل می‌شدند و وظیفه این هئیت‌ها این بود که زمانی که این سازمان‌های تخصصی غیر دولتی در مورد فعالیت‌های دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی سوالاتی مطرح می‌کنند، این هئیت به بررسی آن‌ها پرداخته و نتیجه بررسی‌ها را به گروه‌های ذی‌نفع اعلام کنند. این بند کلاً از طرح اصلاحیه توسط کمیسیون تخصصی حذف شده است و بر اساس اصلاحیه جدید فعالیت‌های دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی نباید توسط سازمان‌های غیر دولتی مورد سوال قرار گیرد.

در مقابل، بندی به بخش هئیت‌های نظارت اضافه شده است که رسیدگی به تخلفات و گزارش‌های عمومی و تخصصی سازمان‌های غیر دولتی و صدور رای طبق مقررات این قانون بر عهده هئیت‌های نظارت گذاشته شده است. ترکیب اعضای این هئیت‌های نظارت، ظرفیت بی طرفی این هئیت‌ها را به زیر سوال می‌برد، و در ضمن از آنجا که این هئیت‌ها مرجع صدور حکم هستند باعث می‌شود که سازمان‌های غیر دولتی اساساً نتوانند به آن‌ها اعتماد کنند و جنبه گزارش‌دهی در مورد فعالیت‌های سازمان‌های دولتی و غیر دولتی عملاً منتفی می‌شود. ظرفیت و بی‌طرفی این هئیت‌ها در بخش ساختار هئیت‌های نظارت به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.

موضوع نقد دستگاه‌های دولتی نیز بوضوح در سخنان علیرضا افشار در نشست هم اندیشی سازمان‌های مردم نهاد و وزارت کشور مطرح شد و آقای افشار رسماً اعلام کرد که سازمان‌های غیر دولتی حق انتقاد از دولت را در رسانه‌ها و عرصه‌های عمومی ندارند.⁷ در اصل قرار بوده که هئیت‌های حقیقت یاب که پیش‌بینی شده بود که منتخب سازمان‌های غیر دولتی و شبکه‌های آن‌ها باشند، موارد گزارش شده توسط سازمان‌های غیر دولتی را بررسی و به گروه‌های ذی‌نفع که مردم بخش اصلی آن هستند، اطلاع رسانی کنند.

ثبت سازمان‌های غیر دولتی- در پیش نویس سال ۱۳۸۶، طبق روال معمول سند ثبت این سازمان‌ها به این شرح تعریف شده است:

«سند ثبت: سندی است که توسط اداره کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی با رعایت ضوابط این قانون در جهت تاسیس سازمان یا شبکه صادر می‌شود.» در طرح اصلاحی کمیسیون تخصصی مجلس و در نفی مواد ۵۸۴ و ۵۸۵ قانون تجارت، این بند حذف شده و دو بند به جای آن اضافه شده که در واقع هر سازمان غیر دولتی نتواند به راحتی و طبق قوانین رسمی کشور ثبت شود. بر اساس پیش‌نویس جدید حکم ابطال غیر اختیاری سازمان‌های غیر دولتی نه با دستور دادگاه که بخواست هئیت‌های نظارت صورت می‌گیرد.

طبق این اصلاحیه هر سازمان برای شروع فعالیت نیاز به کسب پروانه‌ای دارد که خود، ماجرای کنترل این سازمان‌ها را تأیید می‌کند. در واقع مشکلی که برای ابطال سازمان‌های غیر دولتی منتقد دولت اقتدارگرا وجود دارد همین است که این سازمان‌ها طبق قانون رسمی کشوری ثبت شده و رسمی هستند اما ممکن است که وزارت کشور برای آن‌ها پروانه فعالیت صادر نکرده باشد و ابطال این سازمان‌ها طبق قانون رسمی کشوری از اختیار وزارت کشور خارج است و حداقل باید حکمی توسط دادگاه صادر شود.

در واقع هر سازمان غیر دولتی قبلاً می‌توانست با ثبت ساده، کار و فعالیت خود را شروع کند، و حتی اگر وزارت کشور پروانه فعالیت برای سازمان‌های غیر دولتی صادر نمی‌کرد، از نظر قانونی این سازمان می‌توانست فعالیت کند اما نمی‌توانست که از

⁷ آقای افشار گفت: "هر نوع دیدگاه حتی علیه دولت و دستگاه‌های دولتی از سوی سازمان‌های مردم نهاد در جلسات خصوصی مجاز است ولی انتقاد در رسانه‌ها باید همراه با ملاحظات باشد." وی تصریح کرد: "اینکه بخواهیم از طریق رسانه‌ها با انتقادات، نظام را تضعیف کنیم، مناسب نیست و اینگونه نقدها باید همراه با ملاحظات سیاسی باشد تا از این طریق، آب به آسیاب دشمن نریزیم."

امتیازات سازمان پروانه دار استفاده کند. اما با تصویب این طرح، قانونا سازمان ثبت اسناد و املاک از ثبت سازمان‌های غیر دولتی قبل از تأیید هیئت نظارت منع شده‌اند و شروع فعالیت آن‌ها هم تنها پس از صدور پروانه فعالیت⁸ امکان پذیر است.

طبق این اصلاحیه، هر سازمان متقاضی ثبت باید اول توسط هیئت نظارت تأیید شود و سازمان ثبت اسناد و املاک هم مکلف شده است که تنها آن دسته از سازمان‌های غیر دولتی را به ثبت برساند که دارای مجوز از هیئت نظارت هستند. البته خود ترکیب هیئت نظارت هم از نکات بسیار مهمی است که در ساختار هیئت نظارت به آن پرداخته می‌شود.

از نکات بارزی که به معنای کنترل کلیه سازمان‌های غیر دولتی فعال است این است که طبق فصل پنجم طرح اصلاح شده کمیسیون تخصصی مجلس، همه سازمان‌های غیر دولتی که قبلاً ثبت شده‌اند و فعالند باید در چارچوب این قانون جدید خود را انطباق دهند و عدم مراجعه آن‌ها پس از دو ماه از تصویب این طرح برای تطبیق قانون جدید به معنای عدم تمایل برای ادامه فعالیت تلقی می‌شود و طبق درخواست هیئت عالی از اداره ثبت اسناد و املاک، شماره ثبت این سازمان‌ها لغو می‌شود.

به این ترتیب همه سازمان‌ها یا باید در چارچوب مقررات جدید فعالیت کنند و یا با ابطال شماره ثبت‌شان، غیر قانونی می‌شوند. البته با دلایلی که در بخش سیاسی ذکر شد، پر واضح است که بسیاری از این سازمان‌ها در روند تأیید توسط هیئت عالی، مورد تأیید قرار نخواهند گرفت و به این ترتیب هیئت عالی حکم ابطال ثبت آن‌ها را صادر خواهد کرد.

نه تنها این فرآیند دستوری به اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعت بیرای ثبت و ابطال سازمان‌های غیر دولتی خلاف قوانین رسمی تجارت کشور است، بلکه در مغایرت کامل با اصل ۲۶ قانون اساسی دارد که طبق آن هر فردی می‌تواند نسبت به تشکیل هر گونه سازمانی که مغایرت با اصول آزادی، استقلال و اساس جمهوری اسلامی نداشته باشد، اقدام کند.

شبکه‌های سازمان‌های غیر دولتی- اولین موضوع مربوط به شبکه‌های سازمان‌های غیر دولتی در طرح اصلاح شده کمیسیون تخصصی مجلس شورای اسلامی ایران، منع استفاده از نام‌های شناخته شده: «شورای هم‌آهنگی، خانه، اتحادیه، فدراسیون» برای تعیین نوع شبکه بوده است. شاید در نظر اول این یک منع ساده استفاده از اسم باشد، اما نگاهی عمیقتر به مفهوم اتحادیه، فدراسیون و یا شورای هم‌آهنگی گویای ماهیت انتخاباتی بودن این نهادها هستند. یعنی اتحادیه از تعدادی از سازمان‌های مشابهی تشکیل می‌شود که اعضای این اتحادیه توسط آن سازمان‌ها انتخاب شده باشند و از نظر شیوه گردش کار باید به این سازمان‌ها گزارش بدهند و نسبت به آن‌ها پاسخگو باشند.

همین مفهوم در شورای هم‌آهنگی که اصطلاحی است داخلی، نهفته است و در سال‌های اخیر در ایران میان سازمان‌های مشابه مثلاً کانون‌های صنفی معلمان در ایران، شوراهای هم‌آهنگی منطقه‌ای و ملی این کانون‌ها از طریق انتخاباتی که با حضور بیش از ۴۰ کانون صنفی کشوری انجام شد، تشکیل شده است.

وقتی که به بندهای حذف و اضافه شده در مورد شبکه‌های سازمان‌های غیر دولتی در طرح اصلاحیه کمیسیون تخصصی مجلس دقت کنیم دقیقاً همین روند را می‌بینیم. یعنی از نظر اصلاح کنندگان این طرح، شبکه فقط یک سازمان غیر دولتی تلقی می‌شود نه مجموعه ارتباطات نهادینه شده‌ای که از سوی سازمان‌های همسو و هم هدف در جریان انتخابات برای تأمین اهداف همه آن سازمان‌ها تشکیل می‌شود.

در پیش نویس سال ۱۳۸۶، شبکه مجموعه‌ای از سازمان‌های غیر دولتی بودند⁹ و برای آن یک هیئت موسس شبکه پیش بینی شده بود که از سازمان‌های متقاضی تاسیس شبکه در حوزه مشخص تشکیل می‌شده است. در حالی که در اصلاحیه کمیسیون مجلس، شبکه

⁸ در بند دوم الحاقی در مورد ثبت و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی تأکید شده است که "پروانه فعالیت، مجوزی است که پس از ثبت سمن [سازمان‌های مردم‌نهاد که همان سازمان‌های غیر دولتی هستند] از سوی مراجع مقرر در این قانون با رعایت ضوابط مربوط در جهت شروع فعالیت سمن صادر می‌شود."

به یک سازمان غیر دولتی (سمن) ی گفته می‌شود که از تعدادی سازمان‌های غیر دولتی همسو و هم هدف تشکیل می‌شود و بند مربوط به هئیت موسس شبکه نیز برای آن حذف شده‌است. البته تأکید شده است که برای تشکیل شبکه باید ۱۰ سازمان مردم نهاد متقاضی تشکیل آن شبکه باشند. اما واقعیت این است که شبکه را به حد یک سازمان غیر دولتی از نظر فعالیت و ارتباطات با سایر سازمان‌ها تقلیل داده‌اند. مثلاً می‌توان یک سازمان غیر دولتی درست کرد و گفت که این شبکه سازمان‌های غیر دولتی مثلاً محیط زیست است بدون این که همه سازمان‌های غیر دولتی محیط زیست در تشکیل به روش انتخاباتی یا هدایت آن نقشی داشته باشند و روح پویای آن را تغذیه کنند.

به این ترتیب برای سازمان‌های غیر دولتی تخصصی، به نام شبکه‌ها نیز تشکلهایی ایجاد می‌شود. این در واقع همان الگوی خانه کارگر است که از انجمن‌های اسلامی کار تشکیل می‌شوند و کاملاً در خدمت و اختیار دولت هستند در حالیکه اگر قرار بود که مثلاً فدراسیون کارگران فلزکار تشکیل شود، باید اول اتحادیه فلزکارها در هر منطقه تشکیل می‌شد و از دل آن‌ها انتخاباتی انجام می‌شد و فدراسیون کارگران فلزکار شکل می‌گرفت و این همان چیزی است که طراحان تشکلهای سازمان‌های غیر دولتی از آن نگرانند؛ انتخابات و مجمع عمومی و ارتباطات غیر کنترل شده در سطح کشوری. اما درست این همان چیزی است که به جامعه مدنی هویت واقعی و استقلال واقعی می‌دهد؛ یعنی انتخاب شدن توسط گروه‌های ذینفع و پاسخگو بودن به گروه‌های ذینفع.

هئیت‌های نظارت بر فعالیت‌های سازمان‌های غیر دولتی - در پیش نویس طرح پیشنهادی سال ۱۳۸۶، هئیت‌های نظارت در سه سطح پیش‌بینی شده بودند: شهرستان، استان و ملی. اعضای این هئیت‌ها ۸ نفر پیش‌بینی شده بودند که ۳ نفر آن‌ها نماینده سازمان‌های غیر دولتی بودند، و از نیروهای دولتی در سطح شهرستان، نماینده فرماندار، نماینده نیروهای انتظامی، نماینده دستگاه تخصصی، نماینده شورای اسلامی شهرستان، نماینده اداره امور اقتصادی و دارایی پیش‌بینی شده بودند که در سطح استان، نماینده استاندار و نماینده شورای اسلامی استان و در سطح ملی نماینده وزارت کشور و نماینده شورای عالی استان‌ها به ترتیب جایگزین می‌شدند. وظیفه‌ای که در پیش نویس سال ۱۳۸۶ برعهده هئیت‌های نظارت گذاشته شده بود، نظارت بر فعالیت سازمان‌ها و شبکه‌ها طبق همین قانون مصوب بود.

در اصلاحیه طرح پیشنهادی کمیسیون تخصصی مجلس، هئیت‌ها به سه دسته هئیت عالی، هئیت استانی و هئیت شهرستان تقسیم شده‌اند. در نامگذاری هئیت‌ها در سه سطح، در واقع ماهیت و وظایف این هئیت‌ها نهفته است: هئیت‌های شهرستان و استان هئیت‌های نظارتی بر فعالیت‌های سازمان‌های غیر دولتی هستند اما هئیت عالی یک «مرجع عالی سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و نظارت در امور سازمان‌های مردم‌نهاد و هماهنگی میان مراجع نظارتی» است. در تعریف وظایف هئیت عالی «سیاست‌گذاری و نظارت بر تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد» در کنار سایر وظایف آورده شده است. البته نه تنها وظیفه سیاست‌گذاری برای تأسیس یک سازمان غیر دولتی بلکه صدور رای انحلال برای آن‌ها نیز از وظایف این هئیت‌هاست. فراتر از آن‌ها، اقدامات روزمره همچون راهپیمایی و تجمع نیز باید از فیلتر هئیت عالی بگذرد چرا که بررسی تقاضا برای هر گونه تجمع و راهپیمایی هر سازمان غیر دولتی باید به هئیت عالی گزارش شود و پس از بررسی از طرف این هئیت به مراجع ذیربط منتقل بشود. این‌ها علاوه بر سایر وظایف سیاست‌گذاری است که در فصل چهارم طرح اصلاح شده توسط کمیسیون تخصصی مجلس است مثلاً سیاست‌گذاری برای ساماندهی سازمان‌های غیر دولتی که معلوم نیست حیطة و حوزه آن‌ها چیست.

به این ترتیب سازمان‌های غیر دولتی صاحب یک نهاد عالی برای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری می‌شوند، یعنی هئیت مدیره و اعضای هر سازمان غیر دولتی بجای اینکه قدرت سیاست‌گذاری داشته باشند باید تابع هئیت عالی باشند که ترکیب آن بسیار قابل تأمل است. جالب توجه‌است که هئیت‌های نظارتی شهرستان و استان نیز تابع هئیت عالی و مجری تصمیمات آن هستند.

ترکیب اعضای این نهاد عالی به جای ۵ نفر نیروی دولتی و سه نفر نماینده سازمان‌های غیردولتی که طبق پیش نویس سال ۱۳۸۶ باید هر دو سال یکبار توسط سازمان‌های غیر دولتی انتخاب می‌شدند، به طرز حیرت‌انگیزی تغییر می‌کند که می‌توان پی برد که چرا

⁹ در پیش نویس سال 1386 تعریف شبکه چنین آمده است: "شبکه به مجموعه‌ای از سازمان‌های مردم‌نهاد اطلاق می‌شود که با تعیین اهداف مشترک یا پیرامون موضوع فعالیت تخصصی مشترک شکل می‌گیرد."

وظیفه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری بر عهده این هیئت عالی گذاشته شده است. به ترکیب این اعضا در سطح عالی علاوه بر ۵ نماینده سابق دولتی، نمایندگان قوه قضائیه، وزارت امور خارجه، وزارت اطلاعات، امور اوقاف، امور مساجد، نیروی مقاومت بسیج، سازمان تبلیغات اسلامی اضافه شده‌اند و تعداد نمایندگان سازمان‌های غیر دولتی از سه نفر به یک نفر تقلیل یافته است. نکته مهم دیگر این است که ریاست این هیئت عالی بر عهده وزارت کشور است که هر بار بر حسب نوع تصمیم‌گیری، یکی از معاونین وزارت کشور مسئولیت آن را بر عهده می‌گیرد. به همین ترتیب نیز بر نیروهای دولتی در هیئت‌های نظارت شهرستان و استان اضافه شده و نمایندگان دادستانی، وزارت اطلاعات، امور مساجد، امام جمعه، سازمان تبلیغات اسلامی اضافه شده و تعداد نمایندگان سازمان‌های غیر دولتی به یک نفر تقلیل یافته است. محل دبیرخانه هر یک از این هیئت‌ها فرمانداری، استانداری و وزارت کشور اعلام شده است، در حالیکه در پیش نویس سال ۱۳۸۶، قرار بوده است که طبق آئین نامه اجرایی قانون، برای محل دبیرخانه تصمیم‌گیری شود.

علاوه بر وظیفه بسیار مشخص سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری که برای هیئت عالی در نظر گرفته شده است، و نقش هماهنگی میان هیئت‌های نظارت بر تاسیس و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی بر عهده آن گذاشته شده است، در تعریف هیئت نظارت بر تاسیس و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی که در برگزیده هیئت‌های نظارتی شهرستان و استان (و بطور تلویحی هیئت عالی چرا که وظیفه هماهنگی میان این دو را دارد) است، صدور رای نیز دیده می‌شود: «هیئت نظارت بر تاسیس و فعالیت سازمان‌های مردم نهاد: عبارت است از مشمول اجرای مصوبات هیئت عالی در سطح استانی و شهرستانی، نظارت بر عملکرد دستگاه‌های تخصصی مربوطه، رسیدگی به تخلفات و گزارشات تخصصی و عمومی واصله از سمن‌ها و صدور رای طبق مقررات این قانون.»

نه تنها در این تعریف نقش نظارتی سازمان‌های غیر دولتی بر فعالیت‌های سازمان‌های دولتی به عهده هیئت نظارت در شهرستان و استان واگذار شده است (یادآوری می‌شود که به ترکیب این هیئت‌ها توجه شود) بلکه سازمان‌های غیر دولتی در حد خرده پای گزارش ده به این هیئت نظارت مورد توجه قرار گرفته‌اند تا آن‌ها وظایف نظارتی خود بر عملکرد دستگاه‌های دولتی را به انجام برسانند.

با مروری بر وظایف تعریف شده سیاست‌گذاری هیئت عالی و تصمیم‌گیری‌های آن در بخش‌های مختلف این طرح اصلاح شده توسط کمیسیون تخصصی مجلس، بیشتر می‌توان به عمق این سیاست‌ها و تصمیمات پی برد. همانگونه که فقط در سه مورد ذیل آورده شده است، تصمیم‌گیری برای تاسیس و فعالیت سازمان غیر دولتی، واگذاری پروژه‌های دولتی و اعتبارات و تسهیلات، و هر گونه حضور در مجامع بین‌المللی باید با تصمیم هیئت عالی انجام شود. در واقع هیئت عالی یک نهاد برتر برای سازمان‌های غیر دولتی و شبکه‌های آن هاست که همواره می‌تواند هر نوع تصمیم توسط هیئت مدیره‌های آن‌ها را نقض کند.

در فصل دوم مربوط به حقوق و وظایف سازمان‌های غیر دولتی، ماده ۴، تبصره‌هایی به پیش نویس سال ۱۳۸۶ اضافه شده است که نشان می‌دهد که سازمان‌های غیر دولتی کاملاً باید مطابق تصمیمات هیئت عالی عمل کنند:

(۱) هر گونه عضویت در سازمان‌های بین‌المللی و هر گونه همکاری و فعالیت بین‌المللی باید با مجوز هیئت عالی انجام شود. جالب توجه است که منظور از هرگونه همکاری و فعالیت بین‌المللی فقط عقد قراردادها و کمک مالی نیست بلکه حتی شرکت در همایش‌ها و دوره‌های آموزشی در خارج از کشور نیز باید به تأیید هیئت عالی برسد. و این سازمان‌های بین‌المللی در برگزیده آژانس‌های سازمان ملل هم می‌شوند.

(۲) هرگونه تصمیم برای توزیع اعتبارات و تسهیلات به سازمان‌های غیر دولتی در چارچوب سیاست‌ها و تصمیمات هیئت عالی صورت می‌گیرد.

(۳) صدور مجوز برای ثبت و صدور پروانه فعالیت برای سازمان‌های غیر دولتی و شبکه‌ها بر عهده هیئت‌های نظارت بر تاسیس و هیئت عالی است. هیئت عالی می‌تواند در مورد انحلال سازمان بصورت غیر اختیاری نیز تصمیم‌گیری کند. در حالیکه این امر تاکنون همواره فقط در اختیار دادگاه‌ها بوده‌اند.

باید توجه داشت که در پیش نویس سال ۱۳۸۶، در فصل چهارم مربوط به نظارت بر تاسیس و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی پیش بینی شده بود که در صورت گزارش تخلف از یک سازمان غیر دولتی به یک هیئت نظارت، این هیئت پس از بررسی و وارد بودن تخلف، مراحل تذکر شفاهی، تذکر کتبی و درج در پرونده و نهایتاً تقاضای توقف موقت فعالیت یا انحلال سازمان از دادگاه صالحه را باید طی می‌کرد. اما در اصلاحیه پیش نویس توسط کمیسیون مجلس، مراحل تذکر کتبی، محرومیت از خدمات و یا حمایت‌ها،

تعلیق موقت فعالیت برای یک سال و نهایتاً انحلال سازمان متخلف با رای هیئت عالی است و اداره ثبت اسناد و مدارک کشور نیز موظف است که شماره ثبت سازمان غیر دولتی مربوطه را باطل کند و هیچ دادگاه صالحه‌ای در این زمینه حضور نخواهد داشت. فقط برای تشدید مجازات یک سازمان غیر دولتی متخلف که مرتکب جرمی هم شده باشد، هیئت عالی بخاطر این جرم می‌تواند به دادگاه صالحه شکایت ببرد. اما در حوزه فعالیت و انحلال سازمان اختیار تام با هیئت عالی است.

منابع مالی سازمان‌های غیر دولتی- در پیش نویس سال ۱۳۸۶، برای حفظ استقلال مالی، یک سازمان غیر دولتی حداکثر می‌توانست ۶۰ درصد از بودجه سالیانه خود را از منابع دولتی تامین کند. و این ماده ۶ فصل پنجم در اصلاحیه کمیسیون تخصصی مجلس حذف می‌شود. به این ترتیب سازمان‌های غیر دولتی می‌توانند ۱۰۰ درصد منابع مالی خود را از طریق دولت تامین کنند و این راه را برای وابستگی کامل این سازمان‌ها به دولت فراهم می‌کند. اگر حذف این محدودیت در تامین منابع مالی را با نقش تصمیم‌گیری هیئت‌های نظارت برای واگذاری فعالیت‌ها و اعتبارات و تسهیلات دولتی و عقد قرارداد با سازمان‌های بین‌المللی خارجی در کنار هم در نظر بگیریم و یادمان نرود که ترکیب هیئت‌های نظارت و عالی چه کسانی هستند، می‌توان به چگونگی فرآیند تبدیل سازمان‌های غیر دولتی به ابزار صد درصد دولتی پی برد.

طبق ماده الحاقی به فصل پنجم، «هیئت عالی مکلف است بودجه لازم در جهت تشویق، توانمند سازی، اطلاع رسانی، حمایت از سمن‌ها و سایر هزینه‌های جاری را در قوانین بودجه سنواتی وزارت کشور پیش بینی نموده و به دولت پیشنهاد دهد.» به این ترتیب سازمان‌های غیر دولتی، به واحدهای وزارت کشور تقلیل پیدا می‌کنند. البته آن دسته که نه تنها توسط هیئت‌های عالی و نظارت تأیید شده باشند، بلکه فعالیت‌های آن‌ها کاملاً در چارچوب دولت و در حمایت از دولت نظارت شده باشد.

رابطه سازمان‌های غیر دولتی و دولت - در پیش نویس سال ۱۳۸۶، در فصل پنجم در مورد حقوق و وظایف سازمان‌های غیر دولتی، طبق مواد ۱۳ تا ۱۷، به وظایف دولت در ارائه اطلاعات طبقه بندی نشده به سازمان‌های غیر دولتی و شبکه‌ها، بهره‌گیری از خدمات مشاوره‌ای این سازمان‌ها و شبکه‌های مربوط به آن‌ها، حضور در فرآیند تصمیم‌گیری‌ها و در نظارت بر عملکرد بخش‌های دولتی و عمومی، و واگذاری اجرای پروژه‌های تخصصی دولتی به این سازمان‌ها تأکید شده بود. اصلاحات انجام شده توسط کمیسیون مجلس به گونه‌ای است که هیچ الزامی برای دولت در انجام این وظایف ایجاد نمی‌کند و آن را در حد دولت «می‌تواند» بجای مکلف است یا «طبق قوانین و مقررات» رها می‌کند تا سازمان‌های غیر دولتی برای اینکه بتوانند در این فرآیندهای تصمیم‌گیری حضور داشته باشند و یا پروژه‌ای در اختیار بگیرند یا منابع مالی برایشان تامین شود یا مجوز ارتباط با سازمان‌های غیر دولتی را از هیئت عالی و هیئت‌های نظارت دریافت کنند، باید تبدیل به عوامل صددرصد اجرایی و تابعی دولت اقتدارگرا شوند. در غیر این صورت در هیچ یک از این عرصه‌ها حضور نمی‌توانند پیدا کنند.

در ماده ۱۳ وظیفه دولت در تامین اطلاعات طبقه بندی نشده برای سازمان‌های غیر دولتی، در نسخه اصلاح شده قید شده است که «در چارچوب ضوابط و مقررات» دستگاه‌های دولتی مکلف به همکاری هستند. در مواد ۱۴ و ۱۵ که در پیش نویس سال ۱۳۸۶، تأکید شده بود که دولت موظف است سازمان‌های غیر دولتی و شبکه‌ها را در فرآیند تصمیم‌گیری‌ها مشارکت بدهد و موظف است که پروژه‌های تخصصی را واگذار کند، در نسخه اصلاح شده کمیسیون تخصصی مجلس، «موظف» و «مکلف» به «می‌تواند» تبدیل شده است. مواد ۱۶ و ۱۷ اساساً در نسخه اصلاح شده حذف شده‌است. طبق ماده ۱۶ پیش نویس سال ۱۳۸۶، دولت موظف شده بود که زمینه‌های مشارکت سازمان‌های غیردولتی و شبکه‌ها را برای نظارت بر وظایف بخش عمومی فراهم کند و در صورت نیاز با هیئت‌های حقیقت یاب منتخب سازمان‌های غیر دولتی موظف بودند که همکاری کنند. حذف کامل این بند در واقع همان حذف کامل نقش اصلی سازمان‌های غیر دولتی در نظارت بر قدرت است. ماده ۱۷ نیز به همین دلیل حذف شده است. در ماده ۱۷ پیش نویس سال ۱۳۸۶، پیش بینی شده بود که سازمان‌های غیر دولتی و شبکه‌ها می‌توانند برای صیانت از منافع عمومی و در چارچوب وظایف خود علیه اشخاص حقیقی و حقوقی به مراجع قضایی شکایت کنند.

به این ترتیب نه وظیفه نظارت بر دستگاه‌های دولتی و نه وظیفه صیانت از منابع عمومی بر عهده سازمان‌های غیردولتی و شبکه‌ها گذاشته نشده‌است. آیا به این ترتیب سازمان‌های غیر دولتی چیزی جز ابزار کامل در اختیار دولت نخواهند بود؟ که البته باید توجه

کرد در شرایطی که آقای افشار در نشست هم‌اندیشی با سازمان‌های مردم‌نهاد تاکید می‌کند که بسیج بزرگترین تشکیلات مردمی است، دیگر جای پرسشی باقی نمی‌ماند که هدف از این قانون، کنترل همه سازمان‌های غیر دولتی و تنظیم روابط آن‌ها با مردم و دولت بعنوان وابستگان درجه یک دولتی است.

رابطه سازمان‌های غیر دولتی و سازمان‌های بین‌المللی و آژانس‌های سازمان ملل متحد - در پیش‌نویس سال ۱۳۸۶، در ماده ۲۹ تاکید شده بود که فعالیت سازمان‌های خارجی و بین‌المللی در ایران بر عهده هیئت ملی است. که البته در ترکیب ساختاری هیئت ملی در این پیش‌نویس، نشانی از حضور وزارت امور خارجه و وزارت اطلاعات هم نبوده‌است. اما علیرغم اینکه در طرح اصلاح شده توسط کمیسیون، هیئت ملی به هیئت عالی تبدیل شده‌است، این بند به بند ۲۸ تبدیل شده و در آن تاکید شده است که «صدور مجوز و نظارت بر سمن‌های خارجی یا بین‌المللی که قصد فعالیت در داخل کشور جمهوری اسلامی ایران و یا عقد قرارداد با دستگاه‌های دولتی، نهادهای عمومی و سمن‌های داخلی را دارند، به عهده هیئت عالی و با اخذ نظر وزارت امور خارجه و اطلاعات و حسب مورد دستگاه تخصصی مربوطه می‌باشد.»

به این ترتیب وزارت اطلاعات و امور خارجه نه تنها در ترکیب هیئت عالی برای تصمیم‌گیری حضور دارند بلکه برای تصمیم‌گیری برای عقد قرارداد با سازمان‌های بین‌المللی که البته آژانس‌های سازمان ملل هم در همین چارچوب گنجانده می‌شوند، محل استعلام اصلی هستند. همانگونه که قبلاً هم توضیح داده شد، این مجوز و ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی شامل شرکت در همایش‌ها و دوره‌های آموزشی خارج از کشور هم است.¹⁰ تصور کنید که فردی از یک سازمان غیر دولتی در یک همایشی در خارج از کشور شرکت می‌کند بدون اینکه از هیئت عالی کسب مجوز کرده باشد، این امر می‌تواند دستمایه هیئت عالی برای انحلال این سازمان قرار بگیرد. یعنی هر گونه ارتباط با سازمان‌های خارج از کشور، حضور در سمینارها فقط در اختیار و خدمت هیئت عالی قرار می‌گیرد که اعضای آن کاملاً امنیتی و قضایی هستند.

سخنان آقای افشار در نشست هم‌اندیشی با سازمان‌های غیر دولتی که در آن از دولتی‌ها خواسته بود که در نشست‌های بین‌المللی یکی دو تا از سازمان‌های غیر دولتی را با خود همراه ببرند، مویذ این است که دولت از یکسو درصدد جلوگیری از حضور افراد مستقل در نشست‌ها و همایش‌های بین‌المللی است و از سوی دیگر در تلاش است که نمایندگان سازمان‌های غیر دولتی کاملاً وابسته به دولت را راهی این نشست‌ها کند. این اقدام حتی اگر قانونی شود، با تمامی اصول بین‌المللی مغایرت دارد چرا که تشکل‌های مستقل در سازمان ملل حق گرفتن مقام مشورتی و حضور مستقل را دارند. امروزه جایگاه سازمان‌های غیر دولتی در نهادها و مراجع سازمان ملل متحد به اندازه جایگاه دولت‌ها ارزش یافته‌است و جلوگیری از حضور نیروهای غیر دولتی مستقل ایرانی در نشست‌های سازمان ملل متحد، آسیب بزرگی است که بر احتی قابل جبران نخواهد بود.

¹⁰ تبصره 1- عضویت در سازمان‌های بین‌المللی و هر گونه همکاری و فعالیت بین‌المللی از قبیل عقد قرارداد، تقاضای نامه، دریافت کمک مالی و شرکت در همایش‌ها و دوره‌های آموزش در خارج از کشور، منوط به اخذ مجوز از هیئت عالی است.

"تبصره 2- سمن موظف است پیش از عقد قرارداد یا دریافت کمک اعم از نقدی و غیر نقدی از آژانس‌های وابسته به ملل متحد و دیگر منابع کمک‌کننده اعم از حقوقی یا حقیقی، نوع و میزان کمک و موضوع آن را به صورت مشروح بر حسب مورد جهت اخذ مجوز به هیئت عالی اعلام کند."

"تبصره 3- هیئت عالی پس از دریافت تقاضا و تکمیل مدارک، موظف است ضمن استعلام از وزارت اطلاعات و وزارت امور خارجه، موافقت یا عدم موافقت خود را حداکثر ظرف مدت دو ماه به مرجع متقاضی اعلام نماید."